

بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی

فرشید فرهادی^۱

عنایت‌الله یزدانی^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۴

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

چکیده

آشوبناکی سامانه بین‌الملل نوین، بنیان‌های نظری بازدارندگی کلاسیک را با تغییر و تحول روبه‌رو کرده است. این تغییر و تحولات سبب ناکارآمدی نظریه بازدارندگی کلاسیک در شرایط نوین شده است. در این راستا، سؤالی که مطرح می‌شود این است که تحول سامانه بین‌الملل در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوبی چه تأثیری در سازه فیزیکی و منطقی سامانه بازدارندگی خواهد داشت؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که با تحول سامانه بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب، سازه منطقی و فیزیکی نظم منطقی‌ای نیز تغییر پیدا کرده است و آشوبناکی، شبکه و رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان سازه نوین نظم مطرح می‌شوند. متناسب با این سازه‌ها سامانه بازدارندگی نیز که تحت تأثیر سازه‌های سامانه قرار دارد، با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای و جمعی پیدا کرده است. مهم‌ترین یافته پژوهش این است که سامانه بازدارندگی از یک‌جانبه‌گرایی به سمت چندجانبه‌گرایی حرکت کرده است. این پژوهش با رویکردی اثبات‌گرایانه و استفاده از روش تحلیل آماری به‌دنبال اثبات رابطه متغیرهای پژوهش است.

کلید واژه‌ها

نظریه‌های بازدارندگی؛ یک‌جانبه‌گرایی؛ چندجانبه‌گرایی؛ رژیم‌های بین‌المللی؛ سامانه پیچیده آشوبناک

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)

farshid.farhadi18@yahoo.com

eyazdan@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه سون یات سن چین و دانشگاه اصفهان

مقدمه

جنگ^۱ به عنوان یک واقعیت پایدار سیاست بین‌الملل مطرح است که هر لحظه احتمال رخداد آن وجود دارد. آثار و پیامدهای مخرب ناشی از آن، پیش‌فرض مهم شکل‌گیری علم روابط بین‌الملل شد. آنچه در این میان مهم است چگونگی کنترل جنگ است تا از تحمیل هزینه‌های آن بر واحدهای سامانه بین‌الملل جلوگیری به عمل آورد. مهم‌ترین مسیری که برای جلوگیری از رخداد جنگ در سامانه بین‌الملل وجود دارد، بهره‌گیری از مکانیسم قدرت برای جلوگیری از رخداد جنگ است. از نظر واقع‌گرایان نیز تنها راه کنترل جنگ، بهره‌گیری از مکانیسم قدرت است. بازدارندگی به عنوان یکی از مهم‌ترین سامانه‌های مدیریت نظم جهانی و منطقه‌ای، برآیند این پیش‌فرض مهم است که قدرت را باید با قدرت مهار کرد. تبدیل قدرت به تهدید و ترس ناشی از آن سبب جلوگیری از جنگ می‌شود. به عبارت دیگر، در این حالت با وجود محتمل بودن سناریوی جنگ، اما ترس از آثار و پیامدهای ویرانگر آن سبب دوری از آن می‌شود. بازدارندگی از مهم‌ترین موضوعات حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل محسوب می‌شود. تهدیدات راهبردی علیه دولت‌ها سبب می‌شود دولت‌ها برای تحقق امنیت ملی خود سامانه‌های قدرت‌محور به‌ویژه بازدارندگی را طراحی کنند.

از سوی دیگر، سازه^۲ سامانه بازدارندگی متأثر از سازه سامانه بین‌الملل است. هم‌زمان با تحول سامانه بین‌الملل و شکل‌گیری سامانه‌های پیچیده و آشوبی^۳، متناسب با این محیط راهبردی جدید، سامانه بازدارندگی نیز با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی پیدا کرده است.

در محیط پیچیده و آشوبناک سامانه بین‌الملل نوین، هرچند بسیاری از اجزاء و عناصر بازدارندگی هنوز جایگاه و تأثیر خود را حفظ کرده‌اند، اما بخش‌های متعدد آن تغییر کرده است. به عبارت دقیق، نظریه بازدارندگی متحول شده است و به شکل کلاسیک خود قادر به کاربست^۴ آن از سوی سایر واحدهای سامانه بین‌الملل نخواهد بود. لذا بر پایه تغییر و تحولات

-
1. War
 2. Structure
 3. Complex and chaotic system
 4. Apply

در سازه سامانه، نیاز به بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی به‌ویژه در حوزه مطالعات منطقه‌ای^۱ ضروری است. از این رو، سؤال اساسی مقاله شکل می‌گیرد که عبارت است از: «تحول سامانه بین‌الملل در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوبی چه تأثیری در سازه فیزیکی^۲ و سازه منطقی^۳ سامانه بازدارندگی خواهد داشت؟». در پاسخ به این پرسش و بر مبنای هدف‌های پژوهش، این فرضیه مطرح می‌شود که «با تحول سامانه بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب، سازه منطقی و فیزیکی نظم منطقه‌ای نیز تغییر پیدا کرده است و آشوبناکی، شبکه^۴ و رژیم‌های بین‌المللی^۵ به‌عنوان سازه نوین نظم مطرح می‌شوند». متناسب با این سازه‌ها سامانه بازدارندگی^۶ نیز که تحت تأثیر سازه‌های سامانه قرار دارد، با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای^۷ و بازدارندگی جمعی^۸ پیدا کرده است.

در پاسخ به پرسش یادشده، چند گروه از ادبیات را در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای می‌توان مشاهده نمود که عمدتاً به تجزیه و تحلیل بازدارندگی در سامانه‌های ساده و خطی پرداخته‌اند (مرشایمر، ۱۹۸۳، زاگاره و کیلگور، ۲۰۰۰، هارکاوی، ۱۹۹۸، هاس و روزت، ۱۹۸۸، سیف‌زاده، ۱۳۸۰، عسگرخانی، ۱۳۷۷، مورگان، ۲۰۰۳، مورگان، ۲۰۱۲، مورگان، ۲۰۰۶، مورگان، ۱۹۸۳، مورگان و ویرتز، ۲۰۰۹، ویرتز، ۲۰۰۴، کویچی، ۲۰۱۶، کناپف، ۲۰۱۰). بنابراین، یکی از خلأهای عمده‌ای که به‌طور بارز در این ادبیات وجود دارد، عدم توجه به تغییر و تحولات رخ داده در سازه سامانه بین‌المللی و به‌طور کلی، حرکت از سامانه‌های ساده و خطی به سمت سامانه‌های پیچیده و آشوبی است. بنابراین، با توجه به اینکه در شرایط و تحولات رخ داده در سازه سامانه واحدها با تهدیدات نوینی روبه‌رو هستند، ضرورت دارد که متناسب با این تحولات شکل‌ها و مدل‌های نوین سامانه بازدارندگی بازسازی مفهومی و نظری شوند.

-
1. Regional studies
 2. Physical structures
 3. Logical structure
 4. Network
 5. International regimes
 6. Deterrence system
 7. Network deterrence
 8. Collective deterrence

به‌طورکلی، این تحقیق دارای دو هدف نظری و کاربردی است: از لحاظ نظری، بازسازی مفهومی و نظری سامانه بازدارندگی جمعی و شبکه‌ای در سامانه آشوبی است. از نظر کاربردی نیز، پژوهش حاضر به دنبال طراحی روندی نوین برای دستیابی به امنیت برای جمهوری اسلامی ایران منطقه غرب آسیا با توجه به شرایط خاص ساختاری آن است؛ چراکه منطقه غرب آسیا با تعارض، بی‌ثباتی و آشوب روبه‌روست که این سبب معضل امنیتی^۱ برای واحدهای آن از جمله جمهوری اسلامی ایران که دارای موقعیت راهبردی و کانونی در غرب آسیاست، شده است.

در این چارچوب و در راستای پاسخ به پرسش اصلی و فرضیه مطرح‌شده، ابتدا، چارچوب نظری و مفهومی پژوهش ارائه خواهد شد. سپس، بازدارندگی کلاسیک^۲ و مدل‌های آن در سامانه‌های ساده و خطی بررسی خواهد شد. در ادامه، بازدارندگی در سامانه‌های آشوبی و پیچیده بازسازی مفهومی و نظری می‌شود. در انتها، بازدارندگی شبکه‌ای و جمعی به‌عنوان دو مدل از بازدارندگی در سامانه‌های آشوبی ارائه می‌شوند.

برای گردآوری داده‌ها نیز از شیوه اسنادی و به‌صورت رجوع به منابع کتابخانه‌ای، کتب، مجلات، مقالات، روزنامه‌ها، اسناد و مدارک، پایگاه داده‌ها، سایت‌های اینترنتی و رسانه‌ها استفاده می‌شود.

روش پژوهش

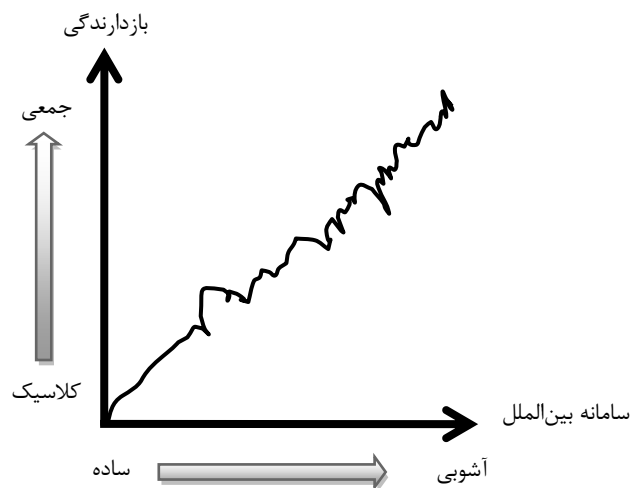
این پژوهش با رویکردی اثبات‌گرایانه به دنبال اثبات رابطه میان متغیرهای پژوهش است. روش نویسنده نیز استفاده از تحلیل آماری دومتغیره است؛ چراکه این روش نمایانگر نوعی رابطه معنی‌دار آماری بین متغیرهای پژوهش است (نیومن، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

جدول‌های توصیفی، روش‌های نمایش گرافیکی داده‌ها و مقیاس‌های گرایش به مرکز و پراکندگی داده‌ها اطلاعات مفیدی را افزون‌بر فراوانی و درصد درباره داده‌های کمی به دست می‌دهند، اما، چنانچه بخواهیم تأثیرات احتمالی متغیرها بر یکدیگر را مطالعه کنیم باید از

-
1. Security Dilemma
 2. Classical Deterrence

روش‌های تحلیل آماری برای سنجش رابطه یا همبستگی معنی‌دار میان متغیرهای فرضیه که فرض می‌شود بر یکدیگر تأثیر دارند، بهره گرفت. از روش‌های متداول تحلیل آماری نیز ارائه نمودارها^۱، جدول‌های تقاطعی^۲ و مدل‌های توافقی^۳ است (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۴۴۵ - ۴۴۶).

در این پژوهش، سامانه پیچیده و آشوبی و بازدارندگی به ترتیب به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته مطرح هستند. فرض بر این است که با پیچیدگی و آشوبی شدن سامانه، بازدارندگی نیز پیچیده و غیرخطی شده است و شکل‌های جمعی در قالب اقدامات چندجانبه و شبکه‌ای پیدا کرده است.

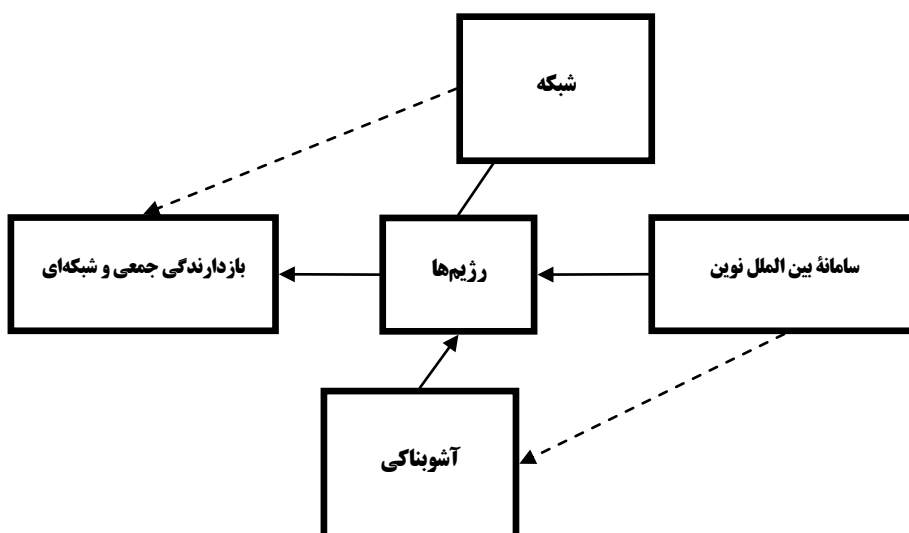


شکل ۱. نمودار رابطه متغیرهای پژوهش (منبع: نگارندگان)

در تصویر شکل ۱ به موازات حرکت از سامانه‌های ساده به سمت سامانه‌های پیچیده و آشوبی، سامانه بازدارندگی نیز با پیچیدگی روبه‌رو شده است. به این صورت که کوچکترین تغییری در سازه سامانه ممکن است به نتایج فاجعه‌بار و غیرقابل پیش‌بینی ختم شود. بنابراین،

1. Diagram
2. Crosstabulations
3. Contingency Model

بازدارندگی تحت تأثیر مستقیم سازه سامانه بین‌الملل قرار دارد؛ چراکه در سامانه‌های ساده، بازدارندگی نیز از ماهیت ساده برخوردار بود، اما با تغییر سامانه بین‌الملل به سمت آشوبناکی، بازدارندگی نیز ماهیت پیچیده پیدا کرده است.



شکل ۲. رابطه متغیرهای پژوهش (منبع: نگارندگان)

چارچوب نظری

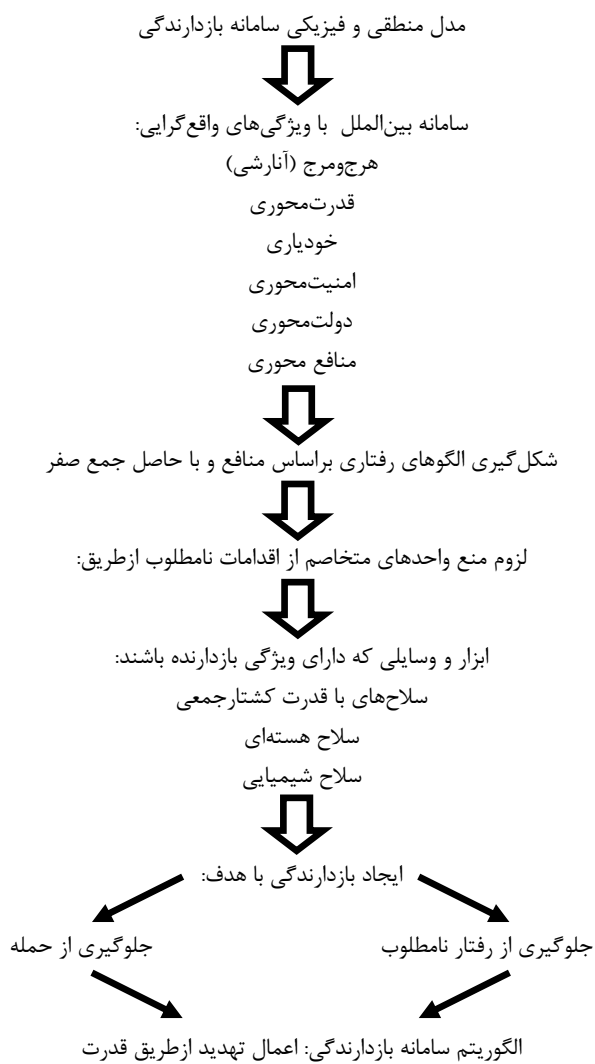
یکی از حوزه‌های اصلی در سیاست و امنیت بین‌الملل، موضوع کنترل و مدیریت نظم منطقه‌ای و جهانی است. به عبارت دیگر، واحدها به منظور تداوم بقای خود نیازمند مکانیسمی تحت عنوان مدیریت و کنترل نظم هستند. از مکانیسم‌های مدیریت و کنترل نیز بازدارندگی است.

بازدارندگی در کنار جنگ، از موضوعات مهم مطالعات راهبردی است. بنیان تفکر نظری در زمینه بازدارندگی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان از بروز جنگ که سبب‌ساز تحمیل هزینه‌های زیادی بر واحدها خواهد شد، جلوگیری به عمل آورد؟ پاسخ به چنین

پرسشی، به شکل‌گیری مفهوم نظری بازدارندگی منجر خواهد شد. بازدارندگی از دو مدل منطقی و فیزیکی برخوردار است. در مدل منطقی اصول و مبانی نظری مطرح می‌شود، اما در مدل فیزیکی ساخت‌شناسی سازه محیطی منطقه، مورد نظر است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۷۱).

سامانه بازدارندگی مدل منطقی آن براساس، چارچوب (پارادایم) واقع‌گرایی سامان می‌یابد. مبنای منطقی سامانه مذکور بر این واقعیت بنا شده است که به دلیل آشوبی، حاکمیت وضع طبیعی و حاکمیت اصل منافع، الگوهای رفتاری هر بازیگر علیه بازیگران دیگر ساماندهی شده است. از سوی دیگر در اتخاذ رفتارهای خود، براساس اصل محاسبه سود و هزینه عمل کرده و به عبارتی، اصل عقلانیت بر رفتارهای آنان حاکم است. به همین جهت، در صورتی که هزینه اقدام افزایش یابد، ضرورتاً واحد از به‌کارگیری و اتخاذ الگوهای رفتاری نامناسب خودداری می‌نماید و علاوه بر آن نفس پیش‌بینی نتایج اقدام، بر نوع رفتار و الگوهای رفتاری آنان تأثیرگذار خواهد بود (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

بازدارندگی علاوه بر مدل منطقی، دارای مدل فیزیکی خاصی است. مدل فیزیکی در واقع چارچوب اقدام برخاسته و منبعث از مدل منطقی و پیش‌فرض‌های ناشی از آن است. تحت این شرایط، چارچوب اقدام واحدها در سازه محیطی منطقه‌ای بر مبنای پارادایم نظری مورد نظر سامان می‌یابد. پس، در این مدل باید به ساخت‌شناسی سازه محیطی منطقه‌ای براساس چارچوب نظری اتخاذ شده اقدام کرد. برای مثال، وقتی چارچوب نظری واقع‌گرایی و نظریه‌های برخاسته از آن باشد، مدل فیزیکی (چارچوب اقدام) ارائه شده و منتج از آن نیز در چارچوب دستیابی، حفظ و افزایش قدرت برای بقای واحدها تعریف می‌شود. سازوکارهای مدیریت نظم منطقه‌ای و جهانی نیز مانند بازدارندگی، موازنه قدرت و غیره بر مبنای این روند شکل خواهند گرفت.



شکل ۳. مدل منطقی و فیزیکی (منبع: قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۶۰)

بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی

در سامانه بازدارندگی، نظم براساس اعتقاد رهبران کشورها به این گزاره حفظ خواهد شد که هزینه حمله و تهاجم بسیار سنگین‌تر از سودی است که آنها به دست خواهند آورد. متغیر مهم در سامانه بازدارندگی توانایی و اراده تلافی^۱ است یعنی در صورت رخداد اقدامات نامطلوب از سوی واحد مهاجم واحد مدافع توانایی و اراده تلافی را داشته باشد. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه رهبران و راهبردها شناسان نظامی، افزایش توان نظامی و جنگی برای نشان دادن قدرت و اراده تلافی است تا تهدیدات بازدارنده را تقویت نمایند. به همین سبب، بازدارندگی در روابط بین‌الملل به عنوان سامانه‌ای فرض می‌شود که در جهت مدیریت الگوهای رفتاری سامانه منطقه‌ای و همچنین ایجاد پوشش حفاظتی به منظور امکان‌پذیرسازی حرکت‌های راهبردی در حوزه سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۷۳).

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، سامانه بازدارندگی براساس منطق و ساخت فیزیکی خاصی شکل می‌گیرد که به عنوان مدل‌های منطقی و فیزیکی از آن یاد می‌شود. در این بخش باتوجه به مدل منطقی و فیزیکی نامبرده، نظریه سامانه بازدارندگی در سامانه بین‌المللی آشوبی و پیچیده، مدل‌سازی می‌شود. به این صورت که ابتدا براساس، مدل منطقی به تبیین مبانی نظری و پیش‌فرض‌های آن به عنوان زیربنای نظری سامانه بازدارندگی می‌پردازیم. سپس در مدل فیزیکی به تبیین سازه محیطی منتج از مدل منطقی در شکل‌گیری سامانه بازدارندگی می‌پردازیم. اینکه سازه محیطی در شرایط نوین از چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برخوردار است؟ واحدها و الگوهای رفتاری آنها به چه صورت است؟ چه تأثیری بر ساماندهی الگوهای رفتاری در شرایط نوین گذاشته است؟ مطابق با چارچوب نظری تحقیق، طراحی هر سامانه‌ای نیازمند دو مدل منطقی و فیزیکی است. در ادامه براساس، این چارچوب اقدام به بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه بین‌المللی پیچیده و آشوبی می‌کنیم.

مدل منطقی بازدارندگی

مکانیسم بازدارندگی ریشه در واقع‌گرایی دارد؛ چرا که قدرت محوری در سامانه را می‌پذیرد و پیش‌فرض آن نیز مهار قدرت با قدرت است. مطابق با نظر واقع‌گرایان، مهم‌ترین

1. Retaliation

اصل در سامانه بین‌المللی هرج و مرج (آنارشی)^۱ و فقدان اقتدار عالی است. هرج و مرج (آنارشی) سامانه‌ای است که فاقد قدرت فائده برای برقراری امنیت و ایجاد نظم در سامانه بین‌الملل است (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۹۰ - ۹۵). به همین دلیل نیز قدرت ابزاری جهت بقا و مشروع‌ترین هدف و وسیله در محیط آنارشیک سامانه بین‌الملل است. دولت‌ها همواره در پی قدرت به عنوان هدف اولیه هستند. چنین عملکردی باعث تداوم بقا آنها در سیاست بین‌الملل می‌شود. هیچ‌گیزی از معمای قدرت نیست.

چنین شرایطی در سامانه معمای امنیتی را برای واحدها مطرح خواهد کرد؛ چراکه با فقدان اقتدار و حکومت مرکزی در سامانه بین‌الملل هیچ مرجع نهایی که تأمین‌کننده امنیت برای واحدها باشد، وجود ندارد. بنابراین، فقط می‌توان به توانایی خود تکیه کرد و اصل خودیاری در سامانه حاصل خواهد شد که در آن، هر واحدی مسئول حفظ امنیت خود است. شرایط یاد شده سبب خواهد شد قدرت محوری اصل حاکم و چراغ راهنمای اقدام و عمل واحدها در عرصه سیاست خارجی باشد. این مهم از آنجا ضرورت دارد که در محیط هرج و مرج (آنارشیک) سامانه بین‌الملل همه واحدها برای دفاع از خود نیازمند افزایش توانایی‌های بالقوه خود در مقایسه با دشمنان خود هستند (Morgenthau, 1985: 32_33).

از نظر واقع‌گرایان احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچگاه به میزان آرام‌بخشی تنزل نمی‌کند، تنها قدرت است که می‌تواند از خطر احتمال وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری نماید و در صورت وقوع جنگ مانع شکست در آن شود.

مدل منطقی بازدارندگی بر پایه دو نظریه ساختاری و نظریه بازیگر خردمند قرار دارد. در نظریه ساختاری بازدارندگی، برابری قدرت و بالابودن هزینه جنگ بین واحدهای رقیب مانع رخداد جنگ خواهد شد. اما در نظریه‌های بازدارندگی مبتنی بر الگوی بازیگر خردمند، عقلانیت و خرد بازیگران عامل بازدارنده از جنگ است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۷۴). تصمیم‌گیری عقلانی بر این فرض استوار است که تصمیم‌گیر در اتخاذ تصمیم از قانون هزینه - فایده تبعیت می‌کند. محاسبه هزینه - فایده اساس اقدام واحدها در سامانه بین‌الملل است؛ چراکه فرض بر این است که واحدها موجودیتی عقلانی و محاسبه‌گر هستند. به این صورت که اگر هزینه اقدام مورد

1. Anarchy

نظر از سود آن بیشتر باشد، اقدام عقلانی، کنار گذاشتن آن اقدام است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۱). برای مثال، اگر کشوری به این نتیجه برسد که طبق قاعده هزینه - فایده، هزینه اقدام نظامی علیه کشور هدف بسیار بیشتر از منفعت آن است، مسلماً اقدام عقلانی کنار گذاشتن اقدام پرهزینه مورد نظر است.

مدل فیزیکی بازدارندگی

در مدل فیزیکی همان‌طور که گفته شد مهم‌ترین اصل ساخت‌شناسی سازه سامانه است. چراکه سامانه بازدارندگی براساس شرایط محیطی سامانه طراحی می‌شود. در این راستا، در ادامه به مهم‌ترین شاخص‌های سازه سامانه بین‌الملل نوین می‌پردازیم.

پیچیده و آشوبی بودن سازه سامانه

هنگامی سامانه پویا محسوب می‌شود که سازه آن تحت تأثیر کارکرد نیروهای ژرف سامانه‌ای (فناوری، اقتصاد، قدرت و فرهنگ) متحول شده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، اهمیت و شدت یافتن ارتباطات در درون سامانه بین‌المللی است. این تحول مرزبندی‌های کلاسیک سامانه را تغییر داده و عناصر نوینی را وارد عرصه تحلیلی کرده است. تحول سامانه بین‌الملل سبب شکل‌گیری سامانه‌هایی از نوع پیچیده و آشوب شده است. این سامانه نوین برخلاف سامانه کلاسیک، غیرخطی است که به‌همین جهت دارای واحدها، الگوریتم‌ها، مرزها و کنش‌های مقابل و راهبردی است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۸).

سامانه‌های پیچیده و آشوبی حساسیت بسیار بالایی به شرایط اولیه ایجاد خود دارند. به عبارت دقیق، سامانه‌های آشوبناک دینامیکی غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی هستند که نسبت به شرایط اولیه‌شان بسیار حساسند. تغییری هرچند جزئی در شرایط اولیه چنین سامانه‌هایی باعث تغییرات بسیار زیاد و غیرقابل پیش‌بینی در آینده خواهد شد. این پدیده به اثر پروانه‌ای^۱ مشهور است (کرم، ۱۳۸۹: ۷۰).

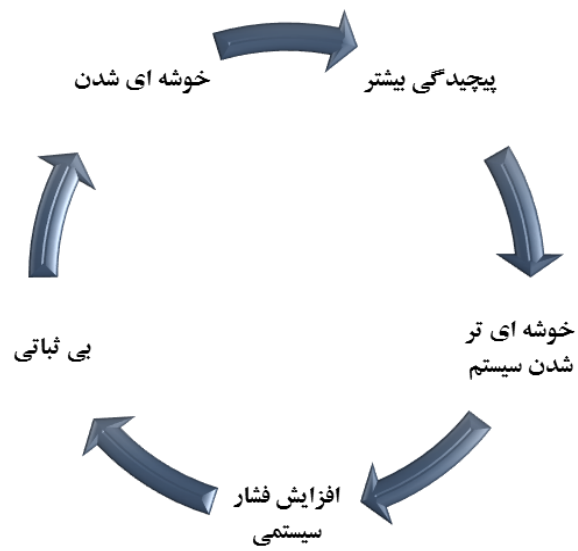
سامانه‌های پیچیده و آشوبی دارای مدل منطقی خاصی هستند که دارای کاربرد عملی در تحلیل مسائل نظم منطقه‌ای می‌باشند. به‌طورکلی، سامانه آشوبی و پیچیده، سامانه‌ای است که در آن طیف متنوعی از بازیگران فعالند و با وجود کنش‌گری انحصاری دولت‌ها اما سایر

1. Butterfly effect

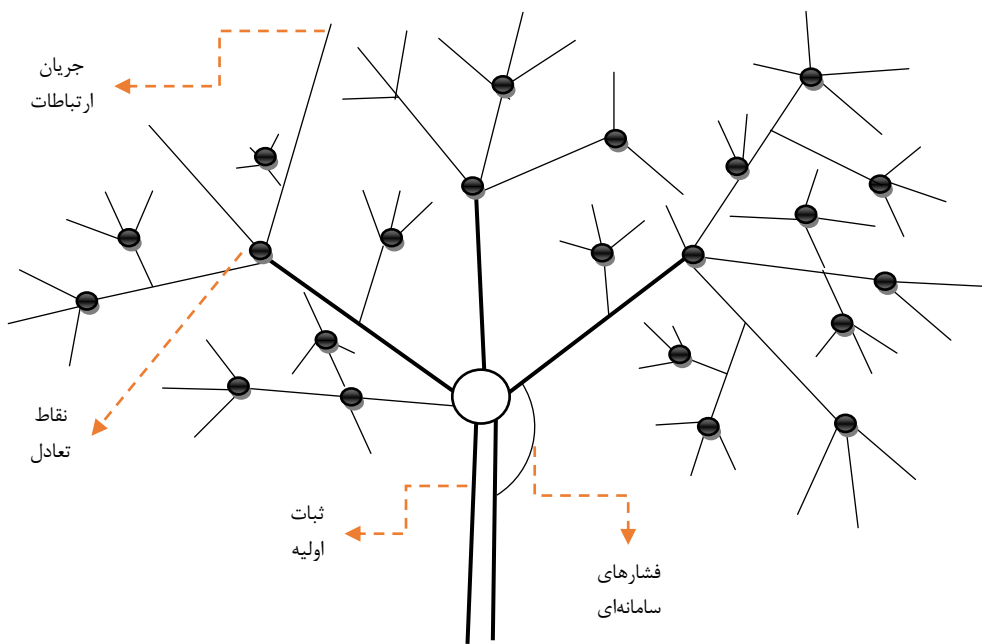
کنش‌گران دیگر مانند سازمان‌های جهانی، گروه‌های تروریستی، افراد و غیره نیز حضور فعال دارند، الگوی ارتباطات و پیوندهای موضوعی برقرار است، سازه شبکه‌ای و اصل وابستگی حساس در سامانه جاری است و دائماً در وضعیت حساس قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که کوچکترین تغییر می‌تواند فاجعه‌بار باشد. گسترش نظم‌های منطقه‌ای، حضور فعال قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظم‌های منطقه‌ای و سایر بازیگران منطقه‌ای در تحولات جهانی، کارکرد فعال و پیچیده فناوری‌ها، عدم تقارن، تعدد نقاط تعادل و آناشیک بودن از شاخص‌های بارز سازه محیطی سامانه‌های آشوبناک است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۰).

سامانه‌های آشوبناک مدل نوینی برای تحلیل مسائل مهم منطقه‌ای فراهم می‌سازند که مهم‌ترین آنها شاخه‌ای شدن نظم در منطقه، اصل وابستگی حساس و نظم منطقه‌ای و اصل مکان‌های فازی در منطقه است. اولین اصل در سامانه‌های پیچیده و آشوبی، شاخه‌ای شدن نظم در منطقه است. در سامانه بین‌الملل نوین مناطق تحت تأثیر فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرایندهای مختلف از محیط درونی و بیرونی منطقه است. توان مقاومت منطقه در برابر این فشارهای وارده به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در شاخه‌ای شدن نظم منطقه محسوب می‌شود. در صورت شکست منطقه در برابر چنین فشارهایی، نظم منطقه‌ای به‌سوی شاخه‌ای شدن حرکت خواهد کرد و نقاط تعادلی متمایز و نوینی به‌وجود می‌آیند و تعدد نقاط تعادلی نیز در منطقه به‌وجود می‌آید. در سامانه‌های پیچیده و آشوبی خوشه‌های متعدد نظم داریم، مهم‌ترین دینامیک در این سامانه ارتباطات و دنیای سامانه‌های پیچیده و آشوبی دنیای ارتباطات است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

بنابراین، هرچه پیچیده‌تر باشد، خوشه‌ای‌تر می‌شود و فشار بیشتر می‌شود و به بی‌ثباتی منجر می‌شود و بی‌ثباتی نیز به خوشه‌ای شدن بیشتر منجر می‌شود.



شکل ۴. رابطه چرخه‌ای پیچیدگی سامانه و خوشه‌ای شدن آن (منبع: نگارندگان)

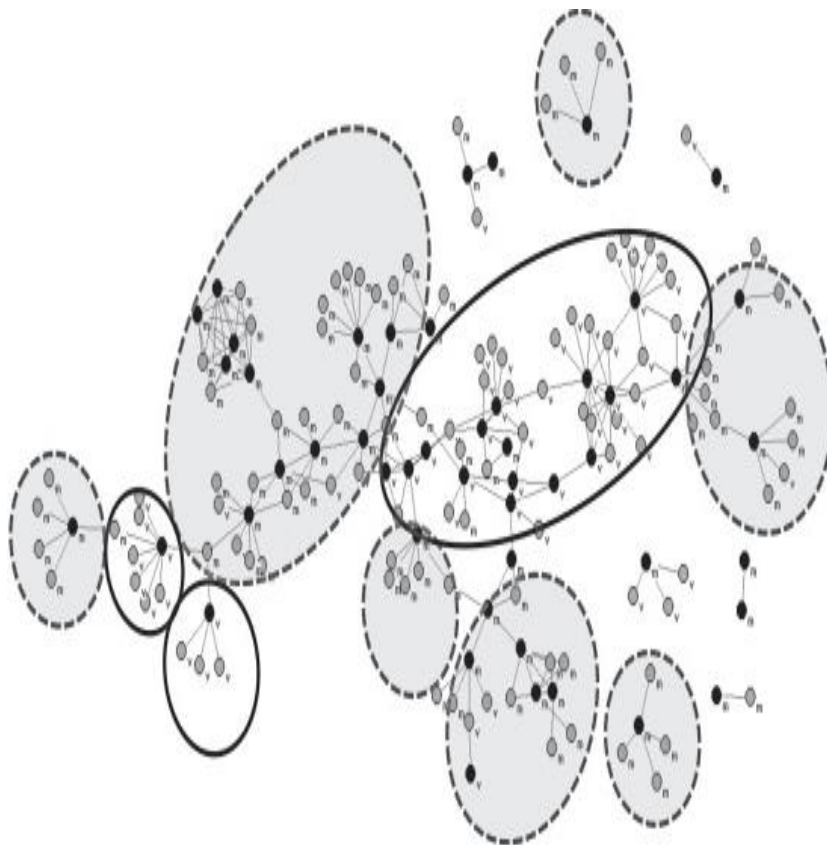


شکل ۵. شاخه‌ای شدن سامانه بر اثر فشار (منبع: نگارندگان)

همان‌طور که در شکل مشخص است با افزایش فشار به سامانه بر اثر کارکرد نیروهای جدید در شرایط نوین، سامانه از سادگی اولیه خارج شده است و به سمت تکثر و تعدد سیر کرده است. به عبارت بهتر، تکثر نظم‌های منطقه‌ای راهی برای خروج از فشارهای وارده است. هر قدر که فشار بیشتر باشد، ما شاخه‌های بیشتری را در سامانه داریم. اگر این مدل مبنایی برای تبیین نظم‌های منطقه‌ای باشد، باید گفت با افزایش فشارهای مختلف جهانی و درونی نظم‌های منطقه‌ای نیز تاب خود را از دست داده و به خوشه‌ها و زیر مجموعه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. در حال حاضر، ما شاهد تنوع و تکثر نظم‌های منطقه‌ای هستیم. موضوعی که ابعاد مختلف سامانه از جمله سامانه‌های کنترلی - بازدارندگی - را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ چرا که این سامانه‌ها با توجه به شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌گیرند.

برای مثال، شبکه غرب آسیا نیز به تبعیت از تحولات رخ داده در نظام بین‌الملل و همچنین شرایط و ویژگی‌های خاص خود با پیچیدگی و آشوب روبه‌روست. در غرب آسیا به دلیل فشارهای ناشی از پیچیدگی و آشوب، نظم شاخه‌ای است. شاخه‌های خلیج فارس، شامات، مکران، خوشه جنوب، خوشه آسیای میانه، خوشه شانگهای و خوشه قفقاز از مصادیق این شاخه‌ای شدن نظم در شرایط آشوب منطقه است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۹۸ - ۲۹۷).

به عبارت دیگر، محیط بر اثر فشار شاخه‌ای شده است و خرده‌نظم‌های فراوانی در محیط منطقه ایجاد شده است که هر کدام نیز نقاط تعادل خاص خود را دارند. این نظم‌های فرعی نیز در طی روند افزایش فشارهای ساختاری دوباره قابلیت تبدیل به خرده‌نظم‌های فرعی دیگر را در سامانه دارند. به همین دلیل نیز امروزه در روابط بین‌الملل سخن از تکثر نظم‌های منطقه‌ای داریم.



شکل ۶. نمودار خوشه‌ای شدن بر اثر فشارهای ناشی از پیچیدگی و آشوب و تعدد نقاط تعادل در سامانه (منبع: نگارندگان)

شرایط ناشی از پیچیدگی و آشوب در سازه محیطی سامانه بین‌المللی و منطقه‌ای از این جهت حائز اهمیت است که سبب فشارهای فزاینده بر کشورها، تنوع الگوی تهدیدات راهبردی، تنوع الگوهای کنترل و مدیریت نظم و تنوع الگوهای جنگ و تعارض می‌شود. به عبارت دقیق، شرایط ناشی از افزایش پیچیدگی و آشوب در سازه محیطی سامانه سبب تحول در ماهیت هرکدام از مباحث بالا می‌شود.

مدل وابستگی حساس^۱ به‌عنوان دومین اصل سامانه‌های پیچیده و آشوبی به‌صورت روشنی بر نظم منطقه‌ای و تبیین آن اثرگذار است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۸۵). رابرت کوهن^۲ و جوزف نای^۳ پیشگامان این مکتب محسوب می‌شوند. از نظر آنها وابستگی متقابل در قالب دو مفهوم حساسیت^۴ و آسیب‌پذیری^۵ تعریف می‌شود (Kehone and Nye, 1977: 734). این دو مفهوم متضمن درجه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری یک کشور در رابطه وابستگی متقابل است.

ریچارد روزکرانس^۶ وابستگی متقابل را نوعی سامانه می‌داند که در سامانه بین‌الملل نوین میان بازیگران مختلف تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. در این شرایط مبادلات در ابعاد مختلف و در حوزه‌های موضوعی مختلف متضمن آثار پر هزینه متقابل و نه لزوماً متقارن است. همچنین، روابط ناشی از وابستگی در این شرایط بسیار حساس و پیچیده است، به نحوی که تغییری ولو اندک باعث تغییرات و تبعات بسیار پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی در آینده خواهد شد (Rosecrance et al, 1977: 425). شاید به همین دلیل نیز باشد که وابستگی متقابل را در شرایط نوین سامانه تحت عنوان وابستگی حساس و پیچیده از آن تعبیر می‌شود.

مهم‌ترین نقش الگوی وابستگی در نظم‌های منطقه‌ای شکل‌دهی و کارکرد آن در راستای بازدارندگی است. به این صورت که با فعال‌شدن دینامیک ارتباطات در سامانه، واحدهای منطقه‌ای از طریق کانال‌های ارتباطی به یکدیگر متصل می‌شوند. در این وضعیت حساسیت و آسیب‌پذیری در سامانه گسترش خواهد یافت و کوچکترین تکانه‌ای در سامانه تمام واحدهای منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین، وابستگی حساس را می‌توان به‌عنوان پیوند مستقیم منافع واحدها در سامانه تعریف کرد که تغییری اندک در موقعیت هرکدام از واحدها، سایر واحدها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این پژوهش وابستگی در گسترده‌ترین شکل آن یعنی وابستگی چندجانبه در نظر گرفته می‌شود. همچنین حساسیت ناشی از وابستگی صرفاً محدود به حوزه موضوعی اقتصاد نمی‌شود، بلکه در شکل گسترده آن سایر حوزه‌های

-
1. Sensitive dependency
 2. Robert Keohane
 3. Joseph Nye
 4. Sensitivity
 5. Vulnerability
 6. Richard Rosecrance

موضوعی مانند امنیت، سیاست و فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد. همان‌طور که گفته شد کارکرد وابستگی در راستای ایجاد بازدارندگی زمانی است که از طریق کانال‌های ارتباطی در حوزه‌های موضوعی گوناگون و ایجاد پیوند موضوعی، حساسیت ناشی از وابستگی همچون تار عنکبوت در تمامی سامانه و زیرمجموعه‌های آن گسترش پیدا کند.

سومین اصل در سامانه‌های پیچیده و آشوبی اصل مکان‌های فازی می‌باشد. نظم‌های منطقه‌ای فقط در قالب مکان‌های فازی خاص هر منطقه قابل تحلیل می‌باشد. هر منطقه دارای مکان فازی معینی است. اولین مکان فازی در سامانه منطقه‌ای، نقطه‌ای است که سامانه رفتار تعارضی در قالب جنگ از خود نشان می‌دهد. مکان دوم فازی، نقطه‌ای است که سامانه رفتار خود را در قالب الگوی چندجانبه‌گرایی و همکاری تعریف می‌کند. در سامانه به سبب تغییر و تحول ساختاری چرخه سامانه‌ای قدرت، مکان‌های فازی متعددی در سامانه منطقه‌ای شکل خواهد گرفت (قاسمی، ۱۳۹۲: ۸۷).

با توجه به شواهد ذکر شده، سیاست بین‌الملل نوین با شرایط پیچیده و آشوبی در سازه محیطی خود روبه‌روست. سیاست بین‌الملل در شرایط جدید خود شامل مجموعه‌ای از کارگزاران مختلف و متعدد است که هرکدام از آنها متأثر و وابسته به یکدیگر می‌باشند. به نحوی که کوچکترین تغییری تمامی واحدها را در سیاست بین‌الملل متأثر خواهد کرد. این مهم به دلیل کارکرد ارتباطات و کاتال‌های ارتباطی در سیاست بین‌الملل است که تمامی کارگزاران متعدد و مختلف را همچون تارهای عنکبوت به یکدیگر متصل کرده است. به نحوی که کوچکترین تکانه‌ای تمامی واحدها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در شرایط جدید سیاست بین‌الملل هیچ واحدی نمی‌تواند ادعا کند که از تحولات سیاست بین‌الملل مصون و غیرقابل نفوذ است.

دیدگاه شبکه

در سامانه بین‌الملل نوین شبکه‌ها به‌عنوان اجزای اصلی جایگزین منطقه در قالب سنتی آن شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، اگر در سامانه‌های کلاسیک اصل بر جغرافیا و همجواری جغرافیایی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر شکل‌دهنده به مناطق بود. امروزه اصل بر ارتباطات و ارتباط‌محوری است. دیگر عنصر جغرافیا نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کند بلکه، نیروی ارتباطات بر

فواصل جغرافیایی غلبه کرده و با شکل دادن به خوشه‌های مختلف از طریق کانال‌های ارتباطی سبب کم‌اهمیت‌تر شدن نقش سرزمین در منطقه‌گرایی شده است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۵۱ - ۱۵۰). ساخت شبکه‌ای در سامانه بین‌الملل براساس نوع توزیع قدرت در شبکه و همچنین تراکم و چگالی ارتباطات بین حلقه‌ها شکل می‌گیرد. در دیدگاه شبکه‌ای آنچه مهم است الگوی توزیع ارتباطات درون سامانه بین‌الملل است. الگوی توزیع ارتباطات در سامانه یکسان نمی‌باشند و حجم، تکرار و چگالی آن در نقاط مختلف سامانه متفاوت است. همین عدم یکسانی الگوی توزیع ارتباطات باعث شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای می‌شود. در شبکه‌های منطقه‌ای مرز جغرافیایی اهمیتی ندارد؛ درحالی‌که در دیدگاه کلاسیک مناطق براساس همجواری جغرافیایی به وجود می‌آیند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). پس، در این شرایط آنچه سبب پویایی و شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای می‌شود الگوی توزیع ارتباطات است.

استدلال «کارل دویچ» نیز مبتنی بر نقش و اهمیت دینامیک ارتباطات در شکل‌گیری مناطق و شبکه‌های منطقه‌ای است، استدلال اصلی او این بود که با تراکم و چگالی بیشتر ارتباطات و مبادلات اجتماعی میان افراد در دوره‌های طولانی زمانی، اجتماعات جدیدی بر مبنای هویتی مشترک شکل می‌گیرد. «دویچ» در آثار خود به اهمیت و نقش ارتباطات بین مردم اشاره داشت. از نظر «دویچ» آنچه مرز جغرافیایی مناطق مختلف را مشخص می‌کند، خطوط ترسیمی جغرافی دانان روی نقشه نیست، بلکه افزایش و کاهش چگالی دینامیک ارتباطات است که مرز را مشخص می‌کند. مرز جایی است که چگالی ارتباطات به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد (deutsch, 1979: 18).

شبکه‌ها و نگرش شبکه‌ای در راستای بازدارندگی منطقه‌ای دارای اصول اساسی زیر می‌باشد:

- ارتباط محوری: سامانه نوین جهانی ارتباط محور می‌باشد و مفهوم ارتباطات به‌عنوان مفهومی زیربنایی محسوب می‌شود؛
- نحوه توزیع ارتباطات: سبب شکل‌گیری مرزبندی‌های سامانه و شبکه‌های متمایز در درون سامانه خواهد شد؛

- وابستگی متقابل رفتارها: رفتارهای گره‌ها یا حلقه‌های سامانه به صورت متقابل به یکدیگر وابسته‌اند و خودمختار نمی‌باشند؛

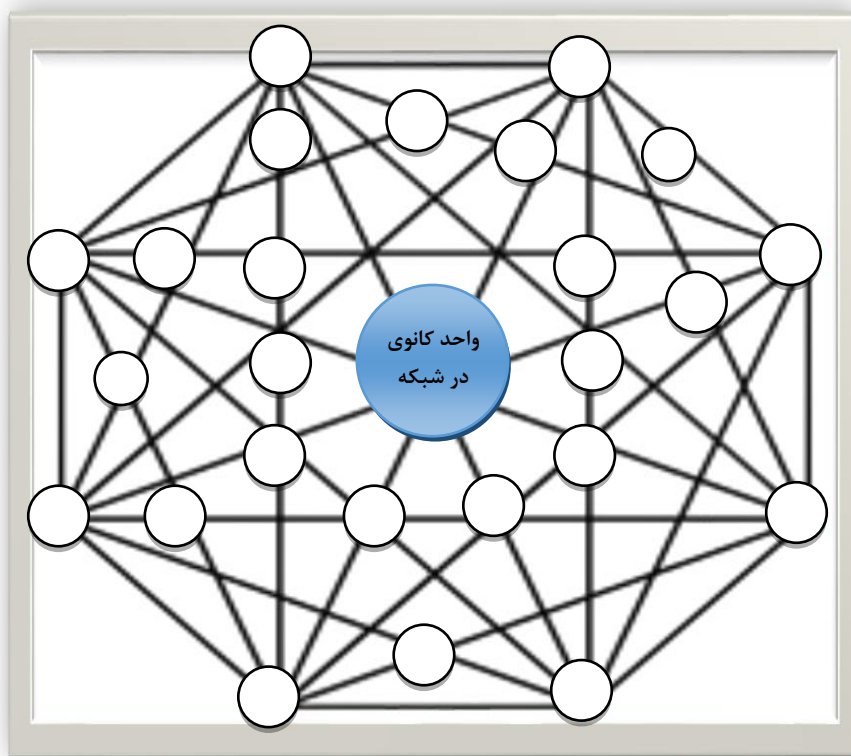
- ارتباط بین حلقه‌ها: شبکه ارتباط بین حلقه‌ها و مجموعه‌ای از گره‌ها را با مجموعه‌ای از حلقه‌های دیگر امکان‌پذیر می‌کند؛

- پیوند بین گره‌ها: این پیوند امکان انتقال داده‌ها اعم از مادی و غیرمادی را بین شبکه‌ها و گره‌ها فراهم می‌سازد.

- روابط متقابل شبکه‌ها: بین شبکه‌ها روابط متقابل در قالب ساختاری و هم رابطه‌ای برقرار است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). به طور کلی در شرایطی که شبکه‌ها به عنوان سازه نوین سامانه مطرح شده‌اند، سیاست بین‌الملل اصولاً در این دیدگاه متشکل از تعداد کثیری از سامانه‌های فرعی است که از ویژگی غیر خطی برخوردارند.

باید گفت، سازه شبکه تحت تأثیر فعال‌شدن نیروی ارتباطات در سامانه آشوبی شکل گرفته است. اهمیت شبکه‌ها و سازه شبکه‌ای در بحث بازدارندگی منطقه‌ای به این صورت است که در حال حاضر شبکه‌ها از کارآمدترین مفاهیم برای تبیین شرایط و تحولات نوین حادث شده در سازه محیطی سیاست بین‌الملل می‌باشند. شبکه محوری در سامانه به دلیل فعال شدن کانال‌های ارتباطی در سامانه در شرایط نوین است که از آن به جهانی شدن تعبیر می‌شود. به عبارت دقیق، ارتباطات از مهم‌ترین نیروهای فعال در سامانه بین‌الملل نوین است. این نیرو شرایط نوینی را سبب شده که مکانیسم‌های مدیریت نظم همچون بازدارندگی را تحت تأثیر قرار داده است.

از آنجا که بازدارندگی منطقه‌ای و راهبردهای آن پیوند مستقیمی با سازه محیطی سامانه بین‌الملل منطقه‌ای و جهانی دارد. بنابراین، با مطرح‌شدن مفهوم شبکه‌ها بازدارندگی منطقه‌ای نیز تحت تأثیر همین شرایط با تغییر و تحول روبه‌رو شده است. طبق این شرایط بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در چنین شرایط نوین و پیچیده از ضرورت اساسی برخوردار است.



شکل ۷. گره خوردن شبکه منطقه‌ای از طریق پیوند موضعی به یکدیگر (منبع: نگارندگان)

رژیم‌های بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی

از نظر «پارتریک مورگان» ما در حال حاضر با یک سامانه بین‌الملل نوین جهانی و منطقه‌ای روبه‌رو هستیم که در آن مدیریت امنیت، نیازمند اقدام جمعی برجسته واحدها خواهد بود. از جمله ابزارهای مدیریت امنیت در قالب اقدام جمعی نیز رژیم‌های بین‌المللی است (Morgan, 2012: 94).

رایج‌ترین تعریف از رژیم‌های بین‌المللی را استفن کراسنر^۱ ارائه داده است ((رژیم‌ها به معنای اصول^۲، قواعد^۳، هنجارها^۴ و رویه‌های تصمیم‌گیری^۵ است که انتظارات کنش‌گران حول محور آنها در یک حوزه موضوعی خاص به هم نزدیک می‌شود)) (Krasner, 1981: 186). رژیم‌های بین‌المللی با اعتمادسازی بر بزرگترین مانع همکاری میان دولت‌ها یعنی بی‌اعتمادی فایق خواهند آمد. همچنین، انتظارت بازیگرانی را که منافع مشترکی در همکاری دارند، به هم نزدیک می‌کند و باعث شکل‌گرفتن منافع مشترک سامانه‌ای می‌شود (Nye, 1987: 372-374).

این مهم به این دلیل اهمیت دارد که مهم‌ترین مانع بر سر راه همکاری دولت‌ها بی‌اعتمادی آنها به یکدیگر در نتیجه عدم اطلاع از نیت و اهداف یکدیگر است. کارکرد اساسی رژیم‌های بین‌المللی تبادل اطلاعات میان واحدهای عضو رژیم است و از این طریق بر معضل بی‌اعتمادی میان دولت‌ها فائق خواهند آمد.

به‌طور کلی، رژیم‌های بین‌المللی، محصول واقعیت‌های سامانه بین‌الملل هستند. بنابراین، شکل‌گیری و کارکرد آنها وابسته به متغیرهایی است که در محیط عملیاتی آنها وجود دارد. با طرح معمای امنیت و قدرت در سامانه بین‌الملل و ویژگی‌های ماهوی سامانه که سبب طرح این معضله برای واحدها می‌شود، رژیم‌های بین‌المللی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای فائق‌آمدن کشورهای بی‌اعتمادی است که با مشکلات امنیتی در محیط راهبردی پیرامون خود روبه‌رو هستند. کارکرد آنها در این رابطه به این صورت است که رژیم‌های بین‌المللی به کارآمدسازی رژیم‌های غیررسمی خاص مانند بازدارندگی منطقه‌ای کمک می‌کنند. بنابراین، رژیم‌های بین‌المللی ابزاری در راستای ایجاد بازدارندگی هستند.

از سوی دیگر، رژیم‌های بین‌المللی و شبکه محوری دارای رابطه هم‌افزا و وابسته هستند. به این صورت که سازه نوین سامانه بین‌الملل یعنی شبکه با تأثیری که بر وابستگی متقابل رفتارها

-
1. Stephen D. Krasner
 2. Principles
 3. Rules
 4. Norms
 5. Decision-Making Procedures

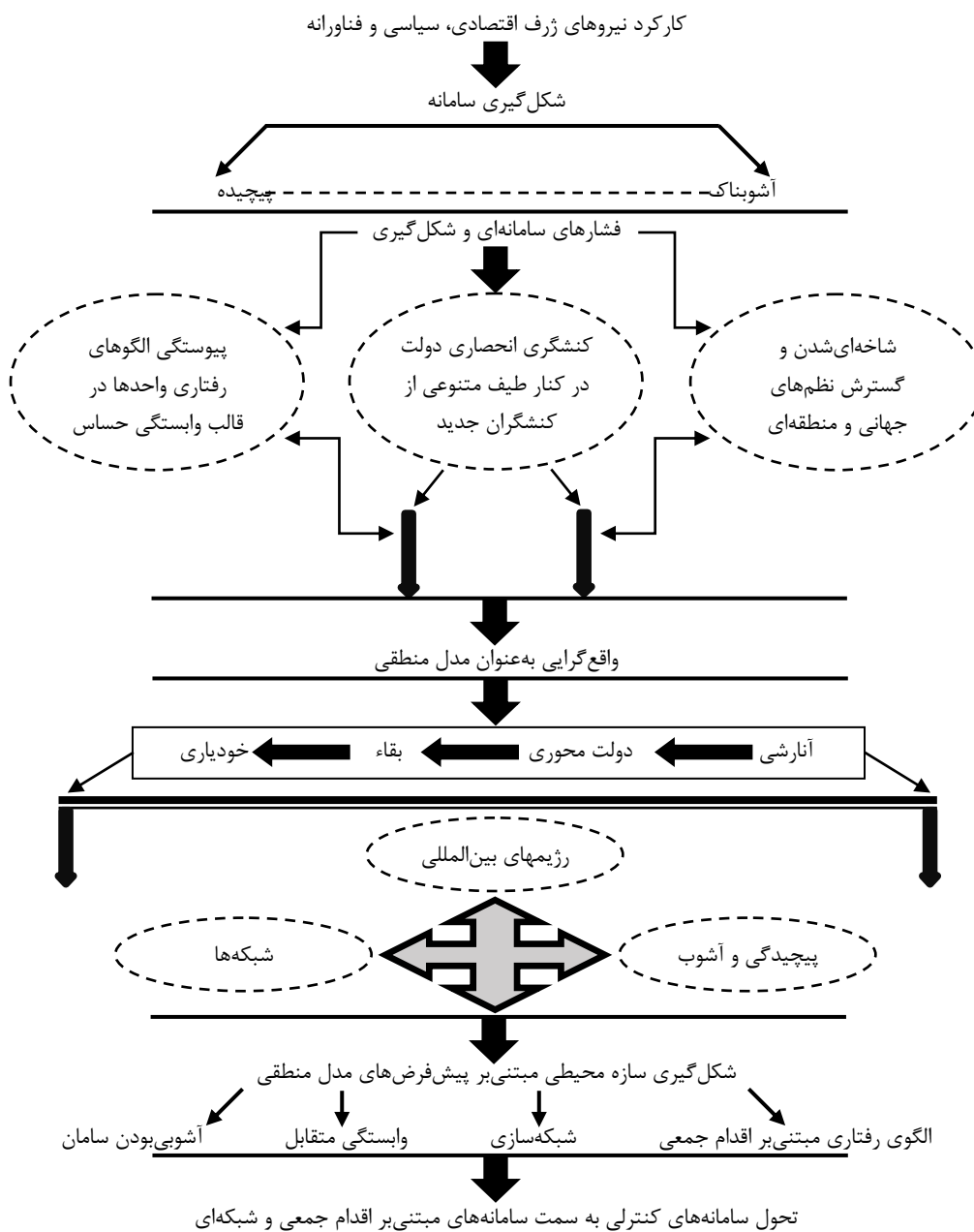
در شبکه‌های منطقه‌ای دارد، عملاً منافع کشورها را در حوزه‌های موضوعی مختلف به هم نزدیک می‌کند و در کنار رژیم‌های بین‌المللی، باعث شکل‌گیری وضعیت امنیت مشترک در سامانه می‌شوند که در آن امنیت کشورها به هم گره خورده است؛ چرا که در وضعیت نوین، شبکه‌های منطقه‌ای از طریق کانال‌های ارتباطی در حوزه موضوعی مختلف از طریق پیوند موضوعی و پیوندهای ارتباطی دولت‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. با توجه به چنین شرایطی اصل وابستگی متقابل حساس و اثر پروانه‌ای بین شبکه‌های متداخل منطقه‌ای برقرار است؛ به این صورت که کوچکترین تغییر کل واحدهای شبکه منطقه‌ای را در تحت تأثیر قرار خواهد داد و با هرگونه تکانه‌ای در سامانه کل واحدها تحت تأثیر قرار خواهند گرفت و امنیت تمامی واحدها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این شرایط به صورت هم‌افزاینده زمینه را برای شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی نیز فراهم می‌کند. به این صورت که رژیم‌ها زمانی شکل می‌گیرند که واحدها دارای نفع متقابلی در همکاری باشند. این شرایط را شبکه‌های منطقه‌ای و دینامیک ارتباطات فراهم می‌کنند.

بنابراین، در مدل فیزیکی بازدارندگی با توجه به وضعیت سامانه بین‌الملل نوین در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوبی سامانه دارای تعدد و تکثر فراوان نظم‌های منطقه‌ای است. دیگر ویژگی سازه محیطی سامانه بین‌الملل شبکه‌ای شدن و شبکه محوری آن است. در سامانه بین‌الملل نوین شبکه‌ها به اجزای اصلی تشکیل‌دهنده نظم در سامانه بین‌المللی محسوب می‌شوند. شبکه‌ها سازه خاصی به منطقه داده‌اند و آن نیز ارتباط محوری و وابستگی متقابل رفتارها می‌باشد. تعدد و تکثر نظم‌ها در سیاست بین‌الملل جهانی و منطقه‌ای، ارتباط محوری و وابستگی متقابل ناشی از شبکه‌ای شدن سامانه به صورت هم‌افزاینده زمینه را برای شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی فراهم می‌کند و در مرحله بعد رژیم‌های بین‌المللی شکل خواهند گرفت. به‌طور کلی، آشوبی و پیچیده بودن سامانه بین‌المللی، شبکه‌ها و رژیم‌های بین‌المللی ماهیت بازدارندگی را با تغییر و تحول اساسی روبه‌رو کرده‌اند و سبب شکل‌گیری شکل‌های نوین بازدارندگی شده‌اند. بنابراین، بازدارندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سامانه‌های مدیریت نظم و حفظ امنیت متأثر از سازه سامانه بین‌الملل است و هم‌زمان با تحول سامانه بین‌الملل و شکل‌گیری سامانه‌های پیچیده و آشوبی، متناسب با این محیط جدید سامانه بازدارندگی نیز با تغییر

و تحول روبه‌رو شده است. بازاریابی شبکه‌ای و جمعی محصول چنین شرایط نوینی در سازه سامانه بین‌الملل محسوب می‌شوند. بازاریابی شبکه‌ای، محصول سازه محیطی است که در آن آشوبی بودن سامانه و همین‌طور مطرح شدن شبکه‌ها به‌عنوان سازه جدید سبب شکل‌گیری بازاریابی می‌شوند. ازسوی دیگر، بازاریابی جمعی، حاصل اقدام جمعی واحدها در قالب رژیم‌های بین‌المللی است. رژیم‌های بین‌المللی نیز از واقعیت مهم سازه محیطی سامانه بین‌المللی در شرایط نوین هستند.

جدول ۸. تأثیر سازه محیطی بر شکل‌گیری بازاریابی جمعی و شبکه‌ای

رژیم‌های بین‌المللی	شبکه‌ها	آشوب و پیچیدگی	
×	✓	✓	بازاریابی شبکه‌ای
✓	✓	✓	بازاریابی جمعی

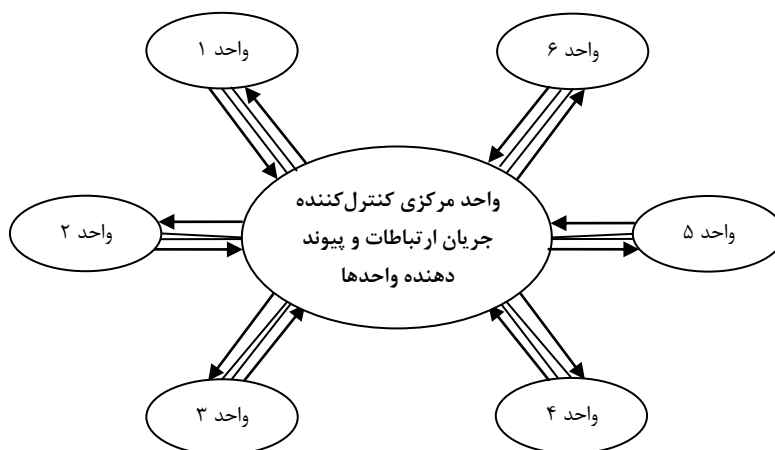


شکل ۹. بازدارندگی در سامانه‌های آشوبی (منبع: نگارندگان)

بازدارندگی شبکه‌ای

قدرت واحدها در شبکه براساس جایگاه واحدها در شبکه مشخص خواهد شد. پس، واحدهایی که در شبکه دارای موقعیت کانونی هستند، از قدرت کنترل جریان ارتباطی در شبکه برخوردارند. طبق این شرایط، بازدارندگی شبکه‌ای روابط مبتنی بر تهدید از طریق استیلای بر جریان ارتباطی موجود در شبکه است. این استیلا از طریق کنترل مرکز و کانون توزیع ارتباطات و کنترل نقاط پیوند در درون شبکه تحقق می‌یابد. بنابراین، بازدارندگی شبکه‌ای در سازه محیطی آشوبناک و شبکه‌ای شکل می‌گیرد. دینامیک ارتباطات سبب شکل‌گیری سازه شبکه‌ای می‌شود. در این شرایط واحدهای برخوردار از موقعیت کانونی در شبکه‌های مختلف توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۹۲ - ۳۹۱).

برای مثال، جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا به دلیل برخورداری از موقعیت کانونی توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارد. ایران از منظر ژئوپولیتیک در صحنه سامانه بین‌الملل از موقعیت برجسته و ممتازی برخوردار است. ایران در موقعیتی قرار گرفته است که حد فاصل و نقطه ارتباطی جنوب به شمال آسیا و سپس قاره اروپاست. در بعد فرهنگی نیز ایران به عنوان ام‌القری شیعی جهان اسلام و یکی از مهم‌ترین دولت‌های بزرگ اسلامی در جهان اسلام است که دارای قدرت تأثیرگذاری گسترده در تحولات فرهنگی و مذهبی منطقه است. سرانجام، در حوزه اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر جایگاه مهم و برجسته خود، دارای موقعیت کانونی در منطقه انرژی جهان است. تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین کریدورهای ارتباطی انرژی جهان در حوزه قدرت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. شرایط یاد شده این توانایی را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که در مواقع ایجاد تهدید علیه منافع و امنیت ملی خود، توانایی ایجاد بازدارندگی برای مقابله با تهدیدات را داشته باشد. این مهم از طریق کنترل کریدورهای ارتباطی کلیدی و مهم در حوزه‌های ژئوپولیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک است.



شکل ۱۰. مدل کلی بازدارندگی شبکه‌ای (منبع: نگارندگان)

بازدارندگی جمعی

سامانه بین‌المللی نوین از منظر کنترل و ساماندهی الگوهای رفتاری با وضعیت و شرایط پیچیده‌ای روبه‌روست که به همین جهت سامانه‌های کنترل پیچیده شکل می‌گیرند. سامانه‌های کنترل در وضعیت نوین سامانه بین‌المللی شکل جمعی و چندجانبه به خود گرفته‌اند. به عبارت دیگر، در وضعیت نوین، اقدامات فردی واحدها از کارایی لازم برای مدیریت نظم برخوردار نیست و حفظ نیازمند اقدام جمعی واحدهاست. این شرایط همچنین سازه خاصی به سامانه کنترل می‌بخشد که مهم‌ترین آن چندجانبه‌گرایی و توافق است.

در این راستا، چندجانبه‌گرایی شکل اصیل نهادی در روابط بین‌المللی به‌شمار می‌رود. روابط میان چندین واحد بر پایه اصول تعمیم‌یافته رفتاری هماهنگ می‌شود. این اصول، رفتار مناسب را برای گروه ویژه‌ای از اقدامات در نظر می‌گیرد (Jervis, 1982: 370_378).

در این میان، رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزار و سازوکار حفظ نظم براساس اصل چندجانبه‌گرایی شکل خواهند گرفت. براساس نیروی ژرف قدرت می‌توان سامانه بین‌المللی را به دو ساخت کنترل‌کننده و کنترل‌شونده تفکیک کرد که در این راستا با توجه به حاکم‌بودن اصل چندجانبه‌گرایی در سامانه نوین بین‌المللی و شکل‌گرفتن رژیم‌های بین‌المللی براساس این

اصل، بازدارندگی جمعی نیز از طریق اقدام جمعی و چندجانبه واحدها در قالب رژیم‌های بین‌المللی و باتوجه به تحول و پویایی دینامیک قدرت و تبدیل آن به دینامیک تهدید در قالب اقدام جمعی شکل خواهد گرفت (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

بنابراین، بازدارندگی در سامانه بین‌الملل نوین به تبع تحولات رخ داده از شکل کلاسیک فردگرایانه فاصله گرفته و صورت جمعی و گروهی به خود گرفته است. به عبارت دیگر، مدیریت امنیت سامانه نیازمند اقدام جمعی واحدها است. به عبارت دیگر در سامانه نوین بازدارندگی جمعی به دلیل تحولات مذکور در سازه سامانه دچار تغییر و تحول شده است و از شکل کلاسیک فردگرایانه خود خارج شده است. از این منظر، رژیم‌های بین‌المللی به عنوان سازوکار حفظ نظم عمل خواهند کرد و دینامیک قدرت در قالب تهدیدات چندجانبه تغییر شکل خواهد داد و به صورت سامانه نوین بازدارندگی جمعی شکل خواهد گرفت. با توجه به پیچیدگی‌های گسترده در حوزه‌های موضوعی گوناگون به خصوص در حوزه موضوعی امنیت، اقدام جمعی واحدها برای مدیریت نظم منطقه‌ای عنصری کلیدی در مدیریت نظم و امنیت سامانه منطقه‌ای است (Morgan, 2012: 94-96).

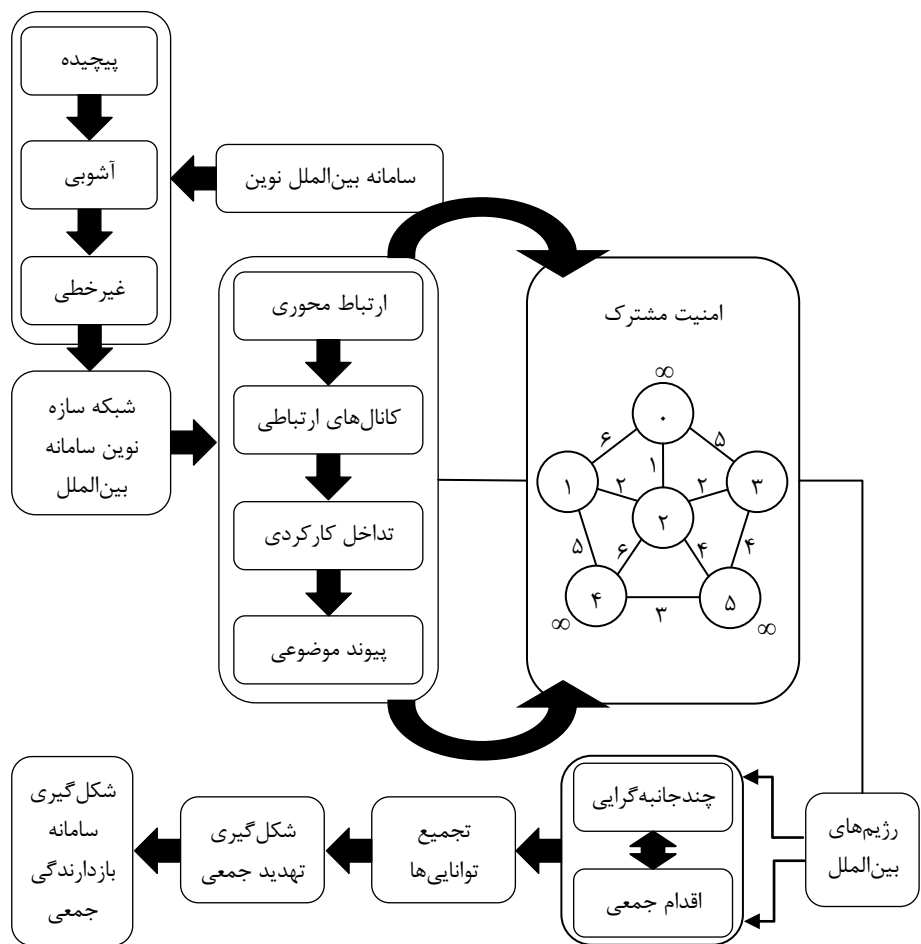
با تقویت همبستگی‌های سامانه‌ای از طریق رژیم‌های بین‌المللی بازدارندگی نیز خصلت جمعی و گروهی پیدا کرده است. اقدام جمعی بازیگران سامانه به این معناست که گروهی از واحدها که فرض بر عقلانیت آنهاست برای ارتقای رفاه و خیر عمومی در قالب نیازهای مشترک گروهی خود در قالب رژیم‌های بین‌المللی سامان می‌یابند. فرض عقلانیت به این معناست که واحدها به این نتیجه خواهند رسید که اقدام جمعی به بهترین نحو منافع آنها را تأمین خواهد کرد. بازدارندگی جمعی یک پاسخ قوی و گسترده را توجیه می‌کند و این یکی از دلایلی است که واحدهای رقیب از حمله و تهدید خود منصرف خواهند شد. شواهد تاریخی بسیاری برای بازدارندگی جمعی وجود دارد؛ مانند رژیم امنیتی حاصل از اقدام جمعی کشورهای آتلانتیک شمالی در قالب ناتو^۱. تلاش اعضا بر پایه اقدام جمعی در سامانه بازدارندگی جمعی استفاده از منطق تهدید برای مدیریت سامانه است. ترس از اقدام جمعی

1. North Atlantic Treaty Organization

توسط واحدها موجب نگرانی جدی بازیگر رقیب خواهد شد و این تهدید مؤثری برای اجتناب از برخورد و حمله نظامی است (Morgan, 2003, 6_5).

در اینجا بازیگران جمعی این تهدید بازدارنده را به طور گسترده به صورت گروهی اجرا می‌کنند و همه اعضا به طور قابل توجهی به اقدامات انجام شده در راستای تهدید واحد رقیب کمک خواهند کرد. به عنوان مثال، پشتیبانی کلی اعضای سازمان ملل متحد از تحریم‌های پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور سازمان ملل به عنوان اقدامی جمعی در راستای تنبیه واحد یا واحدهای خاطی در سامانه بین‌الملل مورد استفاده سازمان قرار می‌گیرد. مهم‌ترین مزیت بازدارندگی جمعی این است که تهدید جمعی بازیگران سامانه و احتمال موفقیت آن می‌تواند به طور قابل توجهی به عدم استفاده از نیروی نظامی توسط واحدها بینجامد. در ارتباط با رابطه بین رژیم‌های بین‌المللی و بازدارندگی جمعی باید گفت که رژیم‌سازی و شکل‌دادن به رژیم‌های بین‌المللی، اساس شکل‌گیری بازدارندگی جمعی است. به عبارت دیگر اقدام جمعی واحدها برای شکل‌دادن به ترتیبات رسمی در قالب رژیم‌های بین‌المللی برای حل معمای امنیتی در سامانه به شکل‌گیری رژیم بازدارندگی جمعی منجر خواهد شد و بازدارندگی را از سامانه‌ای فردگرایانه به سامانه‌ای جمعی و مبتنی بر اقدام جمعی تبدیل خواهد کرد. از سوی دیگر، به دلیل وجود معماهای امنیتی در سامانه آنارشیک و خودیار، مشکلات اقدام جمعی و اعتماد متقابل، سامانه بازدارندگی جمعی و کارآمدی آن نیز پیش‌شرط ورود واحدها به رژیم‌های بین‌المللی است. در صورت وجود چنین سامانه‌ای بین واحدهای مربوطه، اطمینان برای تغییر وضعیت و اقدام در قالب رژیم‌سازی و ایجاد رژیم‌ها افزایش می‌یابد که هنگام استفاده بازیگران جمعی از آن برای مدیریت سامانه ویژگی فردگرایانه خود را از دست داده است و ویژگی جمعی پیدا کرده است. بازیگر جمعی (گروهی از دولت‌های ایند که برای رفاه عمومی و خیر جمعی متحد شده و عمل می‌کنند). موضوع مهم استفاده از بازدارندگی توسط این بازیگران برای حفظ صلح و امنیت برای سامانه بین‌الملل جهانی و یا منطقه‌ای است. این به معنای به کار بردن منطق جمعی تهدید علیه بازیگرانی است که نظم و امنیت منطقه‌ای را با تهدید روبه‌رو می‌کنند. به طور کلی، متغیرهای تشکیل‌دهنده بازدارندگی جمعی منطقه‌ای عبارتند از:

- (۱) بازدارندگی جمعی منطقه‌ای نیز همانند بازدارندگی کلاسیک در گستره‌ای جغرافیایی شکل می‌گیرد. گستره جغرافیایی بازدارندگی جمعی برخلاف بازدارندگی کلاسیک، به دلیل تحولات سامانه بین‌الملل نوین در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوبی است (Harrison, 2006)؛
- (۲) تنوع تهدیدات در شرایط جدید سامانه بین‌الملل که فائق آمدن بر آنها نیازمند اقدام جمعی و چندجانبه واحدهاست؛
- (۳) واحدهای جمعی تشکیل‌دهنده بازدارندگی جمعی منطقه‌ای و اقدام جمعی آنها که درگیر در فرایند بازدارندگی و براساس بخش‌های تشکیل‌دهنده منطقه مشخص می‌شوند (Morgan, 2012: 91_92_93)؛
- (۴) تبدیل قدرت ناشی از اقدام جمعی به تهدید جمعی و تجمیع توانایی‌ها در قالب رژیم‌های بین‌المللی و تبدیل توانایی به تهدید جمعی (Haggard & Simmons, 1987: 510_511_512)؛



شکل ۱۱. مدل نظری بازدارندگی جمعی (منبع: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

فروپاشی نظام دوقطبی، ایجاد نظم‌های منطقه‌ای متکثر و گسترده، تأثیر شگرف دینامیک ارتباطات و فناوری در سامانه، شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از بازیگران در کنار دولت‌ها و غیره سبب تغییر و تحول در سازه محیطی سامانه بین‌المللی شده است. موضوع مهمی که در این رابطه مطرح می‌شود، تأثیر این تغییر و تحول بر بخش‌های مختلف سامانه است. یکی از بخش‌های مهم سامانه نیز مکانیسم کنترل و مدیریت نظم‌های جهانی و منطقه‌ای است. بازدارندگی از مهم‌ترین مکانیسم‌های کنترل نظم در سامانه محسوب می‌شود که در شرایط جدید با تغییر و تحول روبه‌رو شده است. با توجه به این فرض اساسی که بازدارندگی و شکل‌های مختلف آن تحت تأثیر سازه محیطی سامانه قرار دارند، این سؤال مطرح می‌شود که تحول سامانه بین‌الملل در قالب سامانه‌های غیرخطی و آشوبی چه تأثیری در سازه فیزیکی و منطقی سامانه بازدارندگی خواهد داشت؟

در پاسخ، این فرضیه مطرح شد که با تحول سامانه بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب، سازه منطقی و فیزیکی نظم منطقه‌ای نیز تغییر پیدا کرده است و آشوبناکی، شبکه و رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان سازه نوین نظم مطرح شده‌اند. متناسب با این سازه‌ها سامانه بازدارندگی نیز که تحت تأثیر سازه‌های سامانه قرار دارد با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای و جمعی پیدا کرده است. دیگر شکل‌های کلاسیک بازدارندگی که محدود به روابط قدرت‌های بزرگ جهانی بود از کارایی لازم در نظم‌های منطقه‌ای برخوردار نیستند. همچنین سازه نظم‌های منطقه‌ای نیز با تحول اساسی روبه‌رو شده است.

در روش تحقیق نیز با استفاده از روش تحلیل آماری، ارتباط میان متغیرهای پژوهش اثبات شد. به این صورت که ارتباط وثیقی میان سازه سامانه و الگوهای نوین بازدارندگی وجود دارد. این سازه نوین سامانه است که سبب شکل‌گیری بازدارندگی جمعی و شبکه‌ای شده است. به‌طورکلی، مهم‌ترین یافته تحقیق نیز حول اثبات رابطه میان سازه سامانه و بازدارندگی است.

با توجه به تغییر و تحولات رخ داده در سامانه و شکل‌گیری سامانه‌های پیچیده و آشوب، باتوجه به اینکه الگوهای مدیریت نظم منطقه‌ای مانند بازدارندگی نیز متأثر از سازه سامانه است با تغییر و تحول روبه‌رو شده‌اند. بنابراین، با توجه به تغییر و تحول سازه سامانه بین‌الملل بازدارندگی نیز با تغییر و تحول روبه‌رو شده است. از یک‌سو، براساس، سازه آشوبی و همین‌طور سازه شبکه‌ای الگوی بازدارندگی شبکه‌ای شکل گرفته است. این شکل از بازدارندگی براساس ارتباطات و الگوی توزیع ارتباطات در سامانه‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرد. به این صورت که ارتباطات و الگوی توزیع آن باعث ایجاد کانال‌های ارتباطی، ایجاد پیوندهای موضوعی در حوزه‌های موضوعی گوناگون و سرانجام وابستگی واحدهای شبکه‌ای به یکدیگر شده است.

پیوندهای موضوعی نیز همچون تار عنکبوت واحدهای شبکه‌ای را به یکدیگر همبسته خواهند کرد. در این بین، واحدهای برخوردار از موقعیت کانونی با کنترل جریان ارتباطات در سامانه توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارند. شکل دوم بازدارندگی در شرایط آشوبی و پیچیده سامانه، بازدارندگی جمعی است. این شکل از بازدارندگی براساس، سازه آشوبی و رژیم‌های بین‌المللی شکل می‌گیرد. به این صورت که رژیم‌های بین‌المللی از طریق تجمیع توانایی واحدها و ایجاد امنیت مشترک چندجانبه‌گرایی را اصل و اساس اقدام جمعی مطرح کرده است. در این شرایط، بازدارندگی نیز در پرتو اقدام جمعی واحدها از یک جانبه‌گرایی واحد محور به چندجانبه‌گرایی رژیم محور تغییر پیدا کرده است و سامانه نوین بازدارندگی جمعی در روابط بین‌الملل شکل گرفته است. این شکل از بازدارندگی حاصل تبدیل قدرت جمعی و تجمیع توانایی‌ها به تهدید جمعی است.

مهم‌ترین یافته تحقیق این است که بازدارندگی در محیط‌های پیچیده و آشوبی متحول شده است. بازدارندگی در محیط جدید به سمت چندجانبه‌گرایی سیر کرده است. به این صورت که اگر در محیط‌های ساده و کلاسیک بازدارندگی واحد محور و یکجانبه بود، در حال حاضر چندجانبه شده است. به همین ترتیب، نیز در حال حاضر نقش و اهمیت رژیم‌های بین‌المللی در

جهت ایجاد بازاریابی برجسته شده است. به عبارت دیگر، در شکل کلاسیک بازاریابی به صورت یک کشور در مقابل کشور دیگر بود اما در حال حاضر به صورت بازاریابی گروهی از کشورها در مقابل یک کشور یا گروه دیگری از کشورها ترسیم می‌شود. این موضوع نیز به دلیل شرایط پیچیده و آشوبناک محیط سامانه بین‌الملل است که اقدامات چندجانبه را برای مدیریت نظم جهانی و منطقه‌ای طلب می‌کند.

منابع

فارسی

۱. سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از گونه‌های تعدیل‌شده الگوی عقلانی تا مدل‌های جایگزین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وپنجم، ش ۲: ۳۵۹ - ۳۳۰.
۲. سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱)، پژوهش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۰)، جهانی‌شدن قدرت و سیاست خارجی امریکا: مداخله‌گرایی برای تثبیت پیشتازی و اعمال پیشوایی، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - امریکاشناسی، جلد هفتم: ۱-۲۸.
۴. عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷)، «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای»، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۵: ۴۸ - ۲۰.
۵. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: انتشارات میزان.
۶. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.
۷. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، مبانی نظری، کارکردی نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوب در مطالعات نظم منطقه‌ای، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۴.
۸. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲)، نظریه‌های روابط بین‌الملل بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات میزان.
۹. کرم، امیر (۱۳۸۹)، «نظریه آشوب، فرکتال و سیستم‌های غیرخطی در ژئومورفولوژی»، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال سوم، شماره ۸، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، ش ۳۸.
۱۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
۱۱. نیومن، ویلیام و لاورنس نیومن (۱۳۹۴)، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی، جلد دوم، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سیدحسین کاظمی، تهران: مهربان نشر.

انگلیسی

1. Deutsch, k. W. (1979), **Tides Among Nations**. New York: free press.
2. Harkavy, Robert(1998), **Triangular or Indirect Deterrence Theory?** Comparative Strategy.
3. Harrison, N. J. (2006), **Complexity in World Politics: Concepts and Methods of a New Paradigm**. new york :State University of New York Press.
4. Haggard, Stephan, and Beth A. Simmons (1987), **Theories of international regimes**. International Organization 41, no. 3:pp. 491-517.
5. Huth, Paul & Russett, Bruce(1988), **Deterrence Failure and Crisis Escalation**, International Studies Quarterly, Vol. 32, No. 1
6. Robert Jervis,(1982), "**Security Regimes**", in Krasner, op. cit.

7. Krasner Stephen D.(1981), «**Structural causes an Regimes**» Consequences: International organization 36, 2: 1_21.
8. Arie, Koichi(2016), **Complex Deterrence Theory and the Post- Cold War Security Enviroment**, Defense and Security, 17.
9. Keoheane, Robert & Nye, J. (1977), **Power and Interdependence: World politics in Transition**. Boston: Little, Brown. 18.
10. Knopf W. Jeffrey(2010), **The Fourth Wave in Deterrence Researc**, Contemporary Security Policy, 31:1, 1-33, DOI: 10.1080/13523261003640819.
11. Mearsheimer, John J.(1983), **Conventional Deterrence**, New York: Cornell University Press.
12. Morgan, , M Patrick (2003), **Deterrence Now**, Cambridge University Press.
13. Morgan, M Patrick, Wirtz James J, Paul, T.V.(2009), **Complex Deterrence: Strategy in the Global Age**, University of Chicago Press.
14. Morgan, M Patrick(1983), **Deterrence: A Conceptual Analysis (SAGE Library of Social Research)**, SAGE Publications, Inc; 2nd edition.
15. Morgan, M Patrick(2006), **International Security: Problems and Solutions**, CQ Press; 1 edition.
16. Morgan Patrick,(2012), «**The State of Deterrence in International Politics Today**» Article in Contemporary Security Policy, pp.86_107.
17. Morgenthau, H. J. (1985), **Politics Among Nations**, New York: Alfred Knopf.
18. Nye, Joseph S(1987), «**Nuclear Learning and U.S - Soviet Security Regimes**,»International Organization, Vol. 41, pp.372-374.
19. Rosecrance, R, et al. (1977), «**Whither Interdependence?**» International Organization 31, 2.
20. Wirtz, James. J, (2004), **Disarmament deterrence and denial**, comparative strategy.
21. Zagare, Frank C., and D. Marc Kilgour. 2000. **Perfect Deterrence**. Cambridge, UK: Cambridge University Press.